

به امضاء کنندگان بیانیه ۵ ماده ای زنان 5 ماده پیشنهادی زنان وامضاء من

من این اطلاعیه را در اختیار سایت شبکه گذاشتم اما جوابی دریافت کردم، البته نام من از لیست امضاءها برداشته شده است. اما من دلایلی برای ارسال نامه خودم داشتم ام که شایسته بود علاوه بر حذف نام دلایل نیز منعکس میشد و نشد. اطلاعیه را با تغییرات جزئی در سایت سینمای آزاد منتشر می‌کنم.

«دوستان دست اندر کار "بیانیه ۵ ماده ای زنان" سپاسگزارم که از من هم خواستید که یکی از امضاء کنندگان بیانیه ۵ ماده ای شما باشم. من اصولاً برای امضاء پای یک متن، اعتبار بسیار قایلیم و به این نوع درخواستها جواب عجولانه نمیدهم اما چون به مواضع رادیکال فرستنده بیانیه باور داشتم و همزمان برای حضور و صحبت در جشنواره مهم سینمای مقاومت ایران در تبعید عازم برلین بودم تاملی در محتوا و اسامی امضاء کنندگان نکردم و پذیرفتم که امضایم پای بیانیه گذاشته شود. از این رو توضیح زیر را لازم می‌دانم.

برخلاف آن شاعر فیلسوف که نامش زینت بخش اطلاعیه‌های رنگارنگ است شاید در این ۶ و ۷ سال اخیر دو یا سه بار بیشتر پای بیانیه ای امضاء نگذاشته‌ام. پس از بازگشت از برلین، وقتی به سایت شبکه سراسری زنان سر زدم و بیانیه را دوباره و این بار به دقت خواندم متوجه شدم که محتوای بیانیه همان خواست‌هایی را مطرح می‌کند که جهان سرمایه داری مدعی بلامنازع آنست. و تا زمانی که این نظام نکبت آفرین، به مدد سرمایه، و کشت و کشتار جوانان بر سر کار است یک ماده از این ۵ ماده هم امکان اجرا نخواهد داشت از خودم می‌پرسم که مخاطب این بیانیه چه کسانی هستند؟ و راه "برون رفتن از بحران" به چه معنی است؟ آیا همان راهی نیست که دزدان و قاتلان و شارلاتان‌های دوم خردادی برای نگهداشتن بخش دیگر رژیم، و در نهایت برای حفظ نظام اسلامی ترسیم کرده اند. من که هرگز نمی‌خواهم ج. اسلامی بر بحران موجود فایق بیاید و همه ی تلاشم و آرزویم سرنگونی این جنایتکاران بوده است چرا باید در اندیشه غلبه بر بحران باشم؟ امروز که مردم ایران به این واقعیت رسیده اند که کارشان از امضاء اطلاعیه ویا امید بستن به جناح غالب و مغلوب گذشته و رو در روی نظام قرار گرفته اند من عقب گرد کنم و به حل بحران دلخوش سازم؟ اگر مردم تا کنون گلوله مزدوران را به سنگ و کلوخ جواب می‌دادند دور نیست زمانی که گلوله پاسخش را با گلوله بگیرد. برای پرهیز از تطویل کلام، به این اشاره مختصر به محتوای بیانیه بسنده می‌کنم و می‌رسم به امضاءها. تصور اولیه من این بود که تنها به افرادی که نسبت به مواضع آنها آشنایی هست برای امضاء مراجعه خواهد شد مثل شیوه ای که قانون سینماگران ایران در تبعید برای اعتراض به پارلمان اروپا بابت حضور مخمل باف در پارلمان بکار گرفت. بعد دانستم که ادامه امضاءها از طریق مراجعه به اینترنت بدست آمده است. من تکلیف خودم را با این شیوه امضاء جمع کردن هم روشن کرده‌ام. چه بخواهیم و چه نخواهیم در اینگونه جمع آوری امضاء در نهایت می‌رسیم به همان طرح «همه با هم». بیادتان بیاورم آن پروژه ناکام ۶۰ میلیون دات کام را و چند پروژه متوالی بعد از آن، همه مدعی استقبال فراوان مردم بودند و همه هم با سروصدا آمدند و بی سروصدا متوقف شدند (برخی از کمیونیکه‌ها یک میلیون امضاء ای‌ها که سرانیشان پایتختن آش نذری میخواستند زنان اسیر را از زندان ج.ا. رها کنند، برخی از هنرمندان که در برنامه‌های فرهنگی / هنری جمهوری اسلامی شرکت می‌کنند. برخی از متمایلین به دوم خردادی‌های خجل هم به اطلاعیه ای که خواهان محاکمه سران ج.ا. است که خاتمی شارلاتان هم در راسشان است پیوسته اند). در این بیانیه، روی واژه‌های جامعه مدنی و حقوق بشر که باند موسوی مرتب بدان استناد می‌کندهم تاکید شده است. با شناختی که من از شادی امین و گلرخ جهانگیری و چند نام دیگر داشتم بکارگیری اینگونه واژه‌های مصادره شده! در اطلاعیه ای که حتمن اینان در تنظیم آن دخالت و نظارت داشته اند متعجبم می‌کند!

صادقانه امید دارم تعبیرها و پیش‌بینی‌های من نادرست از کار در آید و این بیانیه در راه احقاق حقوق ملاخور شده مردم، به خصوص زنان شجاع ایران که مصمم هستند تا سقوط کلیت نظام چهل و جنون و جنایت به مبارزه پی‌گیر خود ادامه دهند تاثیر مثبت داشته باشد. با احترام و با آرزوی پیروزی نهایی

بصیر نصیبی، اول فوریه ۲۰۱۰ زاربروکن / آلمان

www.cinemaye-azad.com
cinema-ye-azad@t-online.de

مقدمه ما هنوز در راهیم... (همراه با لیست ۲۲۲ امضا)